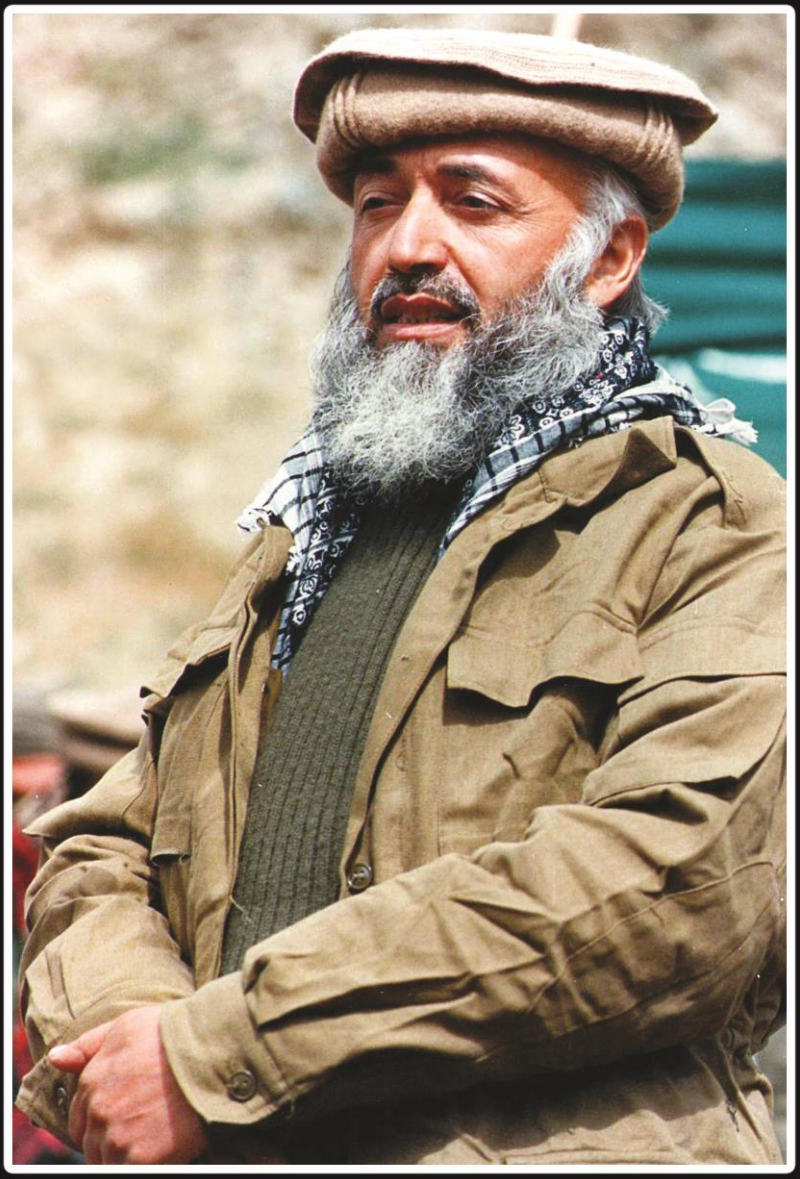

مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بسم الله الرحمن الرحيم

چه‌نوع مُبارَزه؟

نبشته‌ای از:

شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی

شناسنامهٔ کتاب

عنوان کتاب: چه‌نوع مُبارَزه؟

نام پدیدآور: شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی؛

حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طرح جلد و برگ‌آرایی: عصمت‌الله احراری؛

سال چاپ: ۱۳۹۵ خورشیدی؛

نوبت چاپ: چهارم؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

موضوع: مُبارَزه و انواع آن؛

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه؛

شمار برگه‌ها: ۷۹؛

قطع: جیبی؛

بها: ۶۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛

نشانی ما: صفحهٔ رسمی آثار رهبر شهید f؛

آدرس ایمیل: sh.rabbani1390@gmail.com؛

حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست عناوین

۱. یادداشتِ مرکز..... ۱۱
۲. درآمد..... ۱۳
۳. آشنایی به مفهوم مُبارَزه..... ۱۷
۴. خلوصِ نیّت در مُبارَزه..... ۲۷
۵. هوشیاری در مُبارَزه..... ۳۵
۶. استقامت در مُبارَزه..... ۴۳
۷. نمایه..... ۵۳
۸. رویکردها..... ۷۵

یادداشتِ مرکز..

مُبارَزه، حیثیتِ آب و آکسجن را برای بقای انسان و حیات دارد، از این‌روست که رسول آزادیﷺ از ماندگاری مُبارَزه سخن می‌گوید و می‌فرماید:

﴿الْجِهَادُ مَاضٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾

مِلّت ما که امروز هرچه دارد، از یُمن مُبارَزهٔ مبارزان اوست، سرور مبارزان این مرزوبوم، با درکی‌که از اهمیت موضوع داشتند، خامه برداشتند و نشانه‌هایی را فراراه مبارزان قرار دادند که بالقطع با توسّل بدان نشانه‌ها، مبارز می‌تواند خود را از افتیدن در نیمه‌راه مُبارَزه رهایی بخشد.

البته کار ما در این اثر این است:

در گام نخست؛ پس از پیاده‌کردن متن نبشته، مطابق به دستورالعمل تدوینی خویش دست به ویرایش می‌زنیم و از آن بعد، در کِنار مُعَرّفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل‌قول‌ها، ترجمهٔ آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها، نمایه‌ای از آیات، احادیث،

اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیمِ وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

اینک ما که این اثر **کم‌نظیر و شاهکار** استادِ مبارز را - پس از ویرایش و تحشیه - برای بار **چهارم**، راهی چاپ‌خانه می‌کنیم، بسی مسروریم که این اثر دارد برای خود، در میان جوانانی که به خود و هویّت خویش ایمان دارند، جا باز می‌کند.

در کل؛ امید ما این است که این دِرَفش تا زمان است، ماندگار بماند.

مرکز تدوین آثار رهبر شهید

درآمـد:

جِهاد و مُبارَزه از نظر فرهنگ و معارف اسلامی - به مفهوم جامع و همه‌گیرِ آن - اصل عمده‌ای‌است از اصول اسلامی، رهبر ما - ناجیِ بشریّت حضرت محمّدﷺ - هنگام مُعَرّفی بنیادهای اساسی در اسلام، فرموده‌اند:

﴿رَأْسُ الأَمْرِ، الإِسْلاَمُ وَعَمُودُهُ الصَّلاَةُ وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهاد﴾[1]

پس جِهاد بنا بر فرمودهٔ پیغمبر اکرمﷺ در عالی‌ترین سطح و مهم‌ترین مرکز قرار داد.

زندگی مؤمن، مُبارَزه‌ای‌است دوامدار و کشمکشی‌است، پایان‌ناپذیر.

---

۱. (رأس امور، اسلام و ستون آن نماز و قُلهٔ آن، جِهاد می‌باشد.) نگاه: سنن الترمذی، ۵ / شمارهٔ حدیث: ۲۸۲۵.

چنانچه حضرت محمّد ﷺ فرموده‌اند:

﴿الْجِهَادُ مَاضٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾[1]

(جِهاد مؤمن؛ تا روز قیامت، ادامه دارد.)

زندگیِ مسلمان که فاقد جِهاد، نیّت و روحیهٔ مُبارَزه باشد، حیاتی‌است جاهلی.

پیشوای عالی‌قدر بشریّت می‌فرماید:

﴿مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهِ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ﴾[2]

(کسی که بمیرد و غَزا نکرده باشد و یا نیّت و ارادهٔ جِهاد را هم نداشته باشد، به نحوی منافق از دنیا رفته‌است.)

متناسب با کمال و عَظَمَتِ اسلام، مُبارَزهٔ اسلامی در حدّ اعلای کمال قرار دارد و هرگاه مُبارَزه‌ای را از چشم‌دید اسلام بررسی کنیم، مفاهیم زیادی که لازمهٔ مُبارَزهٔ اسلامی‌است، در ذهن ما مُنْعَکس می‌گردد.

آگاهی به این مفاهیم، برای هرمبارزِ مسلمان، ضروری‌است

---

۱. نگاه: ابوداود (۳ / ۱۸، شمارهٔ حدیث: ۲۵۳۲)، ولفظه: ﴿..وَالْجِهَادُ مَاضٍ مُنْذُ بَعَثَنِي اللهُ إِلَى أَنْ يُقَاتِلَ آخِرُ أُمَّتِي الدَّجَّالَ، لَا يُبْطِلُهُ جَوْرُ جَائِرٍ، وَلَا عَدْلُ عَادِلٍ..﴾

۲. نگاه: صحیح مسلم، کتاب الإمارة، باب ذم من مات ولم یغز ولم یحدث نفسه بالغزو.

و به‌صورتِ مثال، از مطالب ذیل نام می‌بریم:

۱- آشنایی به مفهوم مُبارَزه؛

۲- خلوصِ نیّت در مُبارَزه؛

۳- هوشیاری در مُبارَزه؛

٤- استقامت در مُبارَزه.

این‌ها و ده‌ها مطلب دیگری‌که طی نشراتِ آینده - إن‌شاءاللّه‌تعالی- در مورد آن‌ها بحث خواهیم کرد، از جملهٔ شرایط مهم، در مُبارَزهٔ همه‌گیرِ اسلامی‌است؛ امّا در این نوشته، روی مطالب چهارگانهٔ بالا روشنی می‌اندازیم و بس.

برهان‌الدین ربانی

۱
آشنایی به مفهوم مُبارَزه

آشنایی به هدف مُبارَزه و وسایل آن، از الفبای کتاب مُبارَزهٔ اسلامی‌است، آنانی‌که به مفهوم مُبارَزهٔ اسلامی آشنایی ندارند و از وسایل آن بی‌خبرند، در بیراههٔ ظلمت روانند، خود و دیگران را به طرفِ نابودی و تباهی سوق می‌دهند، مُبارَزهٔ اسلامی یک‌شِعار تُند، میان‌تهی و یا یک‌خیزِ بی‌حاصل و مشت‌زدن، بر لبهٔ تیز شمشیر نیست؛ سخنی‌است مؤثر و سنجیده، گامی‌است پلان‌شده و ضربت خُرْدکننده‌ای‌است که دشمن را جابجا فَلْج کند.

مُبارَزهٔ اسلامی، در هوا برنامه‌ریزی نمی‌شود و بر وهم و خیال، اتکا نمی‌کند، واقعیت‌های اجتماعی و نیازمندی‌ها، نوعیّت و شکلِ مُبارَزه را تعیین می‌کند و بنابراین مُبارَزهٔ اسلامی، گاهی به‌صورتِ دعوتِ آرام و منطقی و گاهی تُند و انقلابی و وقتی هم در شکل برخورد قهرآمیز و فیصله‌کن صورت می‌گیرد.

قرآن‌کریم این حقیقت را با بیان شیوایی چنین شرح می‌دهد:

﴿اُدْعُ إِلِی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ..﴾[1]

(ای پیغمبر! به راهِ پروردگارت، به حکمت و موعظهٔ نیکو دعوت کن و به طریقهٔ مناسب با منکرین، جَدَل و مناقشه بکن.)

یعنی در انتخاب اسلوبی که باعث پیروزی دعوت می‌گردد، باید دِقَّت صورت بگیرد، جایی که حُجّت و بیان، وسیلهٔ هدایت گردد، استخدام سِلاح، موافق حکمتِ دعوت نیست و آنجا که تبلیغ نتواند از درهای بستهٔ عِناد و گمراهی نفوذ کند و حُجّت و دلیل بر صخره‌های غرور، بی‌اثر ماند و دعوت با مُقاوَمت دشمنانهٔ باطل روبه‌رو گردد، در آن‌حال، دست‌نبردن به سِلاح و جِهادِ مسلّحانه نکردن، ابلهی و جهالت است.

---

۱. نحل / ۱۲۵. ﴿اُدْعُ إِلِی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِیلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ﴾ (با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است، مجادله کن، در حقیقت پروردگار تو به کسی که از راه او مُنحَرِف شده داناتر و [همچنان که] او به راه‌یافتگان داناتر است.)

فاجعه‌انگیزترین عهد در تاریخ اسلام، آن دورانی‌است که پیروان بی‌خبر و مُفتیان جاهل، در نقش حامیان و مبارزان قرار گرفته و با تَصَرُّفاتِ ناآگاهانهٔ خویش، ضرباتِ جبران‌ناپذیریی را بر پیکرِ انقلاب اسلامی وارد آوردند.

داستانِ مبارزاتِ قهرآمیز و بی‌خبرانهٔ فرقهٔ «خوارج»[1] در تاریخ اسلام، از نظرها پوشیده نیست. اینان که از بادیه‌نشینان بی‌خبر از معارف اسلامی و مفاهیم قرآن و سنّت بودند، به‌نام حمایت از حکم قرآن، ده‌ها انحراف را از اوامر و هدایاتِ صریح شریعت مرتکب شدند، قَساوَتِ وحشت‌بار را یکجا با زهدِ خشک و بی‌روح، جمع می‌کردند. در آن حالی‌که اصحاب پیغمبرﷺ را به جُرْمِ لعنت نگفتن به علی بن

---

۱. خوارج؛ به لحاظ اسم به گروهی از مسلمانان اطلاق می‌شود که از بیعت علی رضی الله عنه پا بیرون گذاشته‌اند؛ امّا پژوهشگرانی چون ابن جوزی رحمة الله علیه نخستین جرقه‌های اندیشهٔ خوارج را به حادثه‌ای پیوند می‌دهند که در عصر پیامبر اکرمﷺ به‌وقوع پیوست، حدیثی را امام بخاری از ابوسعیدالخدری در این مورد روایت کرده و کتاب‌های دیگر حدیث و تاریخ - نیز- آن را نقل کرده‌اند. جهت معلومات بیشتر نگاه شود: مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، ج: ۱، ص: ۲۰۷ از الأشعری و الفصل.. از ابن حزم والملل.. از شهرستانی، صحیح‌البخاری، کتاب الأدب، باب ماجاء فی قول الرجل ویلک، شمارهٔ حدیث: ۴۰۰۴ و صحیح مسلم، شمارهٔ حدیث: ۱۷۶۳ و کتاب «مذهب طالبان» از خواجه بشیراحمد انصاری.

ابی‌طالب رضی الله عنه[1] ذبح می‌کردند، به‌خاطر خوردن یک‌دانه خرمایی که از راه آن را پیدا کرده بودند، ساعت‌ها میان هم در مورد جواز و عدم‌جواز خوردن آن مناقشه کرده و بعداً فیصله می‌کنند؛ چون بدون اجازهٔ صاحب درخت گرفته شده‌است، باید صاحب باغ را پیداکرده و قیمت آن را پرداخت و از او معذرت خواست.[2]

با ملاحظهٔ این حادثه، در می‌یابیم که بی‌خبری از تعالیم دینی، انسان را سخت دچار افراط و تفریط می‌کند.

---

۱. علی رضی الله عنه بن ابی‌طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمنّاف قریشی از تیرهٔ هاشم است، کنیه‌اش ابوالحسن و ابوتراب است. سی‌ودو سال بعد از تولد رسول الله ﷺ در کعبه به دنیا آمد. نخستین کودکی بود که مسلمان شد. در آن وقت ده سال داشت. شب هجرت در بستر پیامبر ﷺ خواب کرد و مسئول بود تا امانت‌های مشرکین را که در نزد پیامبر ﷺ بود به آنان پس دهد. در سال دوّم هجری با فاطمه دخت رسول الله ﷺ عروسی کرد و فاطمه شش ماه بعد از رحلت رسول خدا ﷺ فوت کرد. در ۲۵ ماه ذی‌الحجة ۳۵ هجری، پس از شهادت حضرت عثمان رضی الله عنه به خلافت رسید. بعد از مدت چهارسال و هشت ماه و بیست‌ودو روز، زمانی به شهادت رسید که شصت‌وسه سال از عمر مبارکش می‌گذشت. نگاه: ستارگان هدایت، ص: ۱۸۱ و «خلفای راشدین از خلافت تا شهادت» از صلاح عبدالفتاح الخالدی.

۲. نگاه: البدایة والنهایة / طبعة دار هجر، ج: ۱۰، ص: ۵۸۴.

ناآشنایی به جهان‌بینیِ اسلام و عدم‌اطّلاع به اصول مُبارَزهٔ اسلامی، انحرافات سلوکی و عملی را در مسیر مبارزان قرار می‌دهد. چه ثابت است که اگر داعی به مرام و هدف و طرز کار خود آشنا نباشد، چه بسا که تصوّرات شخصی خود را به‌عنوان اصول اعتقادی و عمل تقدیم کرده و مرتکب انحرافات جبران‌ناپذیری می‌گردد، بی‌خبری از تعلیمات و اصول مُبارَزهٔ اسلامی، در همه احوال خطیر است؛ امّا در حالتی‌که شخص به‌عنوان عضو یک‌سازمان فعالیت می‌کند، خطر آن سنگین و تباه‌کن است؛ زیرا علاوه بر اضرار متعدّد دیگر، یکپارچگی و وحدت جمعیّت را از هم می‌پاشد. چه اشخاصی بی‌خبر تصوّرات و خیالات خود را به‌عنوان مرام و آرمان جمعیّت عرضه کرده و از آن دفاع می‌کنند و در جست‌وجوی همکار و پشتیبان می‌افتند و از این راه، یکسازمان به‌گروپ‌ها و پارچه‌های مختلف تقسیم می‌گردد و در عین‌حال جمعیّت، قدرت جذب را از دست می‌دهد؛ زیرا اعضای جدید و نوواردِ آن، حیران می‌شوند که حرف و سخن کدام یک را بشنوند و تصوّر و طرز فکر جمعیّت را از کجا و از که فرا بگیرند؟ از اینجاست که

قرآن‌کریم لزوم علم را قبل از عَمَل شرط دانسته و چنین هدایت می‌دهد:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ..﴾[1]

(پس بدان ای پیغمبر که خداوند واحد و یگانه‌است و طلب مغفرت بکن.)

و مُبارَزه و دعوتِ پیغمبر اکرمﷺ را قرآن‌کریم - نیز - یک مُبارَزه و دعوتِ آگاهانه تعبیر و توصیف می‌کند:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَاْ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللّهِ وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾[2]

(بگو: ای پیامبر! این راه من است، من و پیروانم آگاهانه به‌طرفِ خدا دعوت می‌کنم و منزه‌است خداوند و من از جملهٔ مشرکان نیستم.)

پس فهم دقیق به طبیعت، هدف و مرام و شکل مُبارَزه، یک اصل عمده‌ای از اصول مُبارَزهٔ اسلامی‌است؛ امّا فراموش نباید

---

۱. محمّد / ۱۹. ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ﴾ (پس بدان که هیچ معبودی جز الله نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان باایمان نیز [طلب مغفرت کن] و الله است که فرجام و مآل [هریک از] شما را می‌داند.)

۲. یوسف / ۱۰۸.

کرد که تنها معرفت به مُبارَزهٔ اسلامی و داشتن عقلیت اسلامی در تکمیل شخصیت داعی و مبارز کافی نیست؛ بلکه داشتن نفسیت اسلامی و قناعت وجدانی کاملاً ضروری‌است. چه‌بسا اشخاصی هستند که به احکام و مقررات اسلام آشنایی دارند؛ امّا در عمل آن را تمثیل نمی‌کنند و چنین اشخاصی نمی‌توانند مُبارَزه کنند و مردم را به راه حق دعوت کنند.

دوگانگی در شخصیت مسلمان مبارز، آفتِ بزرگی‌است و اساساً کسی‌که به دوگانگی و جدایی مبتلا باشد؛ نمی‌تواند مُبارَزه کند. آشنایی مبارز، به اصول و هدف مُبارَزه، انگیزهٔ یک انقلاب دوامدار است؛ چون داشتن این امر، مسلمان مبارز را در همه احوال، پرشور و متحرک نگاه می‌دارد. در پیروزی بی‌خود و مغرور نمی‌گردد و در شکست اراده و تصمیم را از دست نمی‌دهد.

۲
خلوص نیّت در مُبارَزه

خلوص نیّت در مُبارَزه، از مسایل بنیادی‌است، مسلمانان مبارز، در مُبارَزهٔ خود یک هدف عالی را در نظر دارند و آن، همانا برافراشتنِ پرچمِ توحید و حصول رضای خداوند است، مبارزه‌ای که به‌خاطر کسبِ نام و شهرت، اظهار بهادری و شجاعت، تلاش برای به‌دست‌آوردنِ غنایم مادی و تصاحُبِ سُلطه و قدرت باشد، در نظر اسلام اَرزشی ندارد، نماز و نیاز، تلاش و فعالیتِ یک‌مبارز مسلمان، قربانی و فداکاری او، بالآخره مرگ و زندگی او، خاص به منظور رضای خداوند می‌باشد:

﴿قُلْ إِنَّ صَلاَتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ﴾[1]

(بگو: نماز من، قربانی من، زندگی و مرگ من، خاص به‌خاطر پروردگار عالمیان است.)

مسلمان مبارز، اجر و پاداش خود را خاص از خداوند مُتَعال می‌خواهد و این پاداش را خداوند از باب احسان و فضل خود، به بندهٔ مجاهدش می‌دهد و إلّا یک‌مبارز جز ادای مسئولیت و

---

۱. انعام / ۱۶۲.

انجام وظیفه، چیزِ دیگری را انجام نداده‌است.

پس حق ندارد از کسی توقع پاداش کند و یا منتظر باشد که مردم از او اظهار خوشی کنند و یا دعوت او را به گرمی و حرارت استقبال کنند.

قرآن‌کریم این حقیقت را طی شرح سرگذشت انبیا علیهم‌السلام - این ناجیان حقیقی بشریّت- در موارد متعددی با بیان معجز و شیوای خود شرح می‌کند.

چنانچه هنگامِ شرحِ سرگذشت نوح علیه‌السلام می‌فرماید:

﴿فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾[1]

(اگر اعراض کردید، من از شما در برابر [دعوت خود] هیچ پاداشی نمی‌خواهم، اجر و پاداش من نیست؛ مگر بر خداوند و من مأمورم که از جملهٔ مسلمانان باشم.)

به پیشوای بزرگ حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله - نیز- هدایت می‌دهد که این حقیقت را به مشرکان برسان که من در برابر دعوت و جهادِ خود، اجر و پاداش از هیچ‌کسی نمی‌خواهم:

﴿قُل لاَّ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى..﴾[2]

---

۱. یونس / ۷۲.

۲. شوری / ۲۳. ﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُل لاَّ

(بگو: من از شما پاداشی در برابر این کار نخواسته‌ام، تنها می‌خواهم مَحبّت خویشاوندی و قرابت را رعایت کنید.)

و این هم، شِعار جاودان داعیان حق و مبارزانِ مسلمان است: ﴿لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاء وَلَا شُكُورًا..﴾[1]

(از شما هیچ پاداش و اظهار تشکری مطالبه نداریم.)

مبارزان «جمعیّت اسلامی افغانستان»، این حقیقت را می‌دانند که آنان اگَر به‌خاطر نجاتِ مردم، فداکاری می کنند، اگر در راه رهبری جامعه به‌سوی صلاح و سعادت مُتحمِّل رنج‌ها و ناهمواری‌ها می‌شوند، این همه را به‌عنوان وجیبه و مسئولیت انجام می‌دهند، پس نباید از برخوردهای ناموافق مردم، شکایت کنندکه چرا از ما و دعوت ما همگی به گرمی استقبال

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (این همان [پاداشی] است که الله بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده‌است، بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم؛ مگر دوستی در بارهٔ خویشاوندان و هرکس نیکی به‌جای آورد [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود، قطعاً الله آمرزنده و قدرشناس است.)

۱. انسان / ۹. ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاء وَلَا شُكُورًا﴾ (ما تنها برای خشنودی الله به‌شما خوراک می‌دهیم و [هیچ‌گونه] پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.)

نمی‌کنند.

مسلمان مبارز، به‌خاطر نام و شهرت، مقام و قدرت و مطامع دیگر، جهاد و مُبارَزه نمی‌کند؛ بل او فقط به‌خاطر کسب رضای خدا مُبارَزه می‌کند.

از رهبر بزرگ بشریّت پرسیده شد:

«هستند کسانی‌که به‌خاطر اظهار شجاعت و دلیری می‌جنگند و مردمی هم به‌نام «حَمیّت»[1] قومی پیکار می‌کنند و گروهی برای ریا می‌جنگند، کدام یک از آنان، در راه خدا جنگیده‌است؟

پیشوای گرامی فرمودند:

«کسی‌که در راه اعلای کلمةالله می‌رزمد، او در راه خداوند جنگیده‌است.»

آری؛ متن حدیث چنین است:

﴿عَنْ أَبی مُوسَی رضی الله عنه أنَّ النَّبیَّ صلی الله علیه وسلم سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ یُقَاتِلُ غَضَبًا وَحَمِیَّةً وَیُقَاتِلُ رِیَاءً، وَفِی رِوَایَةٍ لِلْمَغْنَمِ، وَلِلذِّکْرِ، أَیُّ ذَلِکَ فِی سَبِیلِ اللهِ؟ فَقَالَ: مَنْ قَاتَلَ لِتَکُونَ کَلِمَةُاللهِ هِیَ الْعُلْیَا فَهُوَ فِی سَبِیلِ اللهِ﴾[2]

---

۱. حَمیّت؛ به‌معنای ننگ و عار، غیرت، رشک، جوانمردی و مروت آمده‌است. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا و معین.

۲. نگاه: صحیح‌البخاری، شمارهٔ حدیث: ۳۶۵۳ و صحیح مسلم، شمارهٔ حدیث:

از این‌جاست که رزمندگان «جمعیّت اسلامی افغانستان»، فقط به‌خاطر برتری دین خدا جِهاد می‌کنند، در قید و بند اهداف و غایات مادی، خود را اسیر نساخته و به‌سوی این هدف عالی قربانی‌های بی‌دریغی داده و می‌دهند، آنان تشنهٔ قدرت و در سودای مال و دولت و هوای شهرت نیستند، این‌ها همه در نظر آنان بی‌ارزش و فرومایه‌است، چه این‌ها اساساً مُحرِّک و انگیزهٔ جِهاد نبوده؛ بلکه عامل تباهی و فسادند.

آری؛ تاریخ به یاد دارد که شهرت‌خواهی و جنون قدرت‌طلبی، همیشه باعث ویرانی و تباهی شده، آن عِدّه از افراد و گروه‌هایی‌که تحت این عناوین مُبارَزه کرده‌اند، مرتکب جنایاتِ ننگین و شرم‌آوری شده‌اند که یادِ آن ضمیر بشریّت را غرق در خجالت و شرمساری می‌کند.

موضوع رسیدن به قدرت، در مُبارَزهٔ اسلامی، تنها به‌خاطر حاکمیّت بخشیدنِ احکام خدا و غلبهٔ حق بر باطل بوده و قدرت در مُبارَزهٔ اسلامی وسیله‌است، نه غایه.

مُبارَزهٔ اسلامی، یک مُبارَزهٔ رهبری‌شده‌است که مسلمان مبارز در چوکات اصول پیش‌بینی‌شدهٔ آن حرکت می‌کند. هوی و خواهش‌های نفس، مسیر آن را تعیین نمی‌کند. پیروی

.۲۳۸۱

هوی و هوس، در اسلام عنوان «شرک»[1] را داشته و عامل فساد و تباهی شناخته شده‌است:

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ..﴾[2]

(آیا دیدی [ای پیامبر] کسی را که هوای خود را، إله خود قرار داده و با وجود علم، خداوند او را گمراه ساخت.)

﴿وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ..﴾[3]

(اگر حق از خواهش‌های آنان پیروی کند، هرآیینه فساد، آسمان‌ها و زمین و هرکه در آن‌هاست را فرا می‌گرفت.)

---

۱. شرک؛ عبارت است از عبادت الله، همراه با عبادت غیر الله؛ فرقی نمی‌کند که غیر الله هرچه و هرکه باشد. نگاه: براهینی بر یکتاپرستی، از دکتور عبدالمجید زندانی به نقل از کتاب: توحید و اثراتِ آن در زندگی، از فضلی‌آماج، ص: ۴۴.

۲. جاثیه / ۲۳. ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ (پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را إله خود قرار داده و الله او را با وجود علم، گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده‌است، آیا پس از الله چه کسی او را هدایت خواهد کرد، آیا پند نمی‌گیرید.)

۳. مؤمنون / ۷۱. ﴿وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ﴾ (و اگر حق از هوس‌های آنان پیروی می‌کرد، قطعاً آسمان‌ها و زمین و هرکه در آن‌هاست تباه می‌شد [نه] بلکه یادنامهٔ‌شان را به آنان داده‌ایم؛ ولی آنان از [پیروی] یادنامهٔ خود روی‌گردانند.)

۳
هوشیاری در مُبارَزه

هوشیاری جزیی از طبیعت مبارزان مسلمان است.

﴿إِتَقوُا فَراسَةَ المُؤمِن فَإِنَهُ يَنْظُرُ بِنورِاللهَ﴾[1]

(از زیرکی و هوشیاری مؤمن، خود را نگاه دارید؛ زیرا او به نور خدا می‌بیند.)

پس مسلمان مبارز هوشیارانه گام بر می‌دارد. مسایل را درست تشخیص کرده و راه و چارۀ حلّ آن را خوب می‌سنجد. روی اصل «الحرب‌خدعة»[2] دسیسه‌های دشمن را در نطفه خنثی کرده و تحرُّکات خود را از دشمن پنهان می‌کنند.

پیامبر بزرگوار اسلامﷺ، در همه غزوات به‌غیر از «جنگ تَبوک»[3] مسیرِ حرکت خود را اعلان نمی‌کرد.

---

۱. نگاه: سنن الترمذی، شمارۀ حدیث: ۳۱۲۷.

۲. اشاره به این حدیث مبارک دارد: ﴿هَلَكَ كِسْرَى ثُمَّ لَا يَكُونُ كِسْرَى بَعْدَهُ وَقَيْصَرٌ لَيَهْلِكَنَّ ثُمَّ لَا يَكُونُ قَيْصَرٌ بَعْدَهُ وَلَتُقْسَمَنَّ كُنُوزُهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَسَمَّى الْحَرْبَ خَدْعَةً﴾ نگاه: صحیح‌البخاری، کتاب الجِهاد والسیر، باب: الحرب خدعة، شمارۀ حدیث: ۲۸۶۴.

۳. تَبوک؛ محل معروفی‌است بین مدینه و دِمَشق که به فاصلۀ چهارده منزل از مدینه قرار دارد، رسول اکرمﷺ روز پنج‌شنبه از مدینه به‌سوی شمال و به قصد تَبوک

مسلمان، مُسَلسَل اشتباه نمی‌کند و اگر بنا برعلّتی قدم ناآگاهانه برداشته باشد، باردیگر عینِ همان عمل را تکرار نمی‌کند. او نقاط خطر را تشخیص داده و از وقوع در پرتگاه، خود را نگاه می‌دارد.

﴿لاَ يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ﴾[1]

(مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود.)

از هوشیاری در مُبارَزه این است که مسلمان مبارز در اقدام به هرعملی، اوّلاً؛ امکانات خود را ارزیابی کند، چشم‌بسته و بدون هدف، در میان امواجِ سیلاب، شناکردن هنر نیست.

حرکت کرد، لشکر اسلام بسیار بزرگ و تقریباً مُتشکّل از سی‌هزار رزمنده بود؛ تا آن زمان چنین سپاه بزرگی برای مسلمانان فراهم نشده بود، با آنکه مسلمانان هرچه در اختیار و توان داشتند، در راه الله انفاق کردند، باز هم پیامبرﷺ نتوانست تمام مجاهدان و سپاهیان را کاملاً مجهز کند و سپاه با کمبود غذا و مرکب روبه‌رو بود، تا جایی‌که هر ۱۸ نفر یک شتر در اختیار داشتند که نوبتی بر آن سوار می‌شدند و چه بسا از گرسنگی، برگ درختان را می‌خوردند، به همین خاطر این سپاه را «جَيْشَ الْعُسْرَة» نامیدند. بعد از رفتن به تَبوک و سپری‌کردن مدتی در آن‌جا کدام جنگی رخ نداد، لشکریان اسلام، پیروزمندانه و سربلند و بدون هیچ‌گونه جنگ و درگیری از تَبوک با غنایم فراوان برگشتند و خداوند، پیامبر و مؤمنان را از جنگ با کفار بی‌نیاز کرد. نگاه: الرحیق المختوم، ص: ۵۸۲ و سیرت نبوی (درس‌ها و اندرزها)، ص: ۱۰۱.

۱. نگاه: صحیح‌البخاری، شمارهٔ حدیث: ۶۱۳۳.

پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید:
﴿رَحِمَ اللهُ امْرَءً عَرَفَ حَدَّهُ فَوَقَفَ عِنْدَهُ﴾[1]
(خداوند رحمت کند برکسی که مقام خود را بشناسد و در حد خود بایستد.)

همچنان پیشوای بزرگ بشریّت می‌فرماید:
﴿لاَ يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ؛ قَالُوا: وَكَيْفَ يُذِلُّ نَفْسَهُ؟ قَالَ: يَتَعَرَّضُ مِنَ البَلاَءِ لِمَا لاَ يُطِيقُ﴾[2]
(سزاوار نیست که مسلمان خود را ذلیل کند؛ اصحاب پرسیدند: چطور مسلمان خود را ذلیل می‌کنند؟
آن حضرت فرمودند:
آنچه را که توانش را ندارد متحمّل می‌گردد.)

از آنچه تقدیم شد، چنین استنباط می‌گردد که هوشیاری در مُبارَزه؛ به‌معنای در گوشهٔ عافیّت‌نشستن و با پای مورچه راه‌رفتن و جُبْن و بزدلی اختیارکردن نیست؛ بلکه هوشیاری در مُبارَزه این است که مسلمان ابتکار عمل را به‌دست دشمن ندهد و ساعتِ صفر را توسّط او تعیین نکند و خود را هدف و آماجگاه، اذیت و آزار او قرار ندهد و به‌نام انقلابی، مرتکب

---

۱. نگاه: الجامع‌الصغیر من حدیث بشیر النذیر، جزء اوّل، ص: ۴۴۶.
۲. نگاه: سنن الترمذی، شمارهٔ حدیث: ۲۲۵۴.

اعمال سفیهانه نشده و دست خالی در پنجهٔ دشمن تسلیم گردد.

«خالد بن ولید»[۱] در جنگِ مُؤتَه،[۲] عسکر خود را امر«انسحاب»[۳] داد، بعضی مردم در مدینه آنان را گریزی و فراری خواندند، رسول الله ﷺ این سخن آنان را به شدّت رد کرده فرمود:

«نه‌خیر آنان فراری نیستند؛ بلکه کراری‌اند.»[۴]

یعنی برگشته‌اند؛ تا بعد از تجدید قوّت دوباره بر دشمن یورش کنند.

---

۱. نام این صحابی جلیل‌القدر اسلام، خالد، کنیه‌اش ابوسفیان و لقب‌شان سیف‌الله است، وی در جوانی دلیر و صاحب فکر و تَدبُّر بودند و از جوانان نخبهٔ قریش به‌شمار می‌رفتند، در صلح حدیبیه به اسلام مشرف شد، در غزوهٔ مُؤتَه و حُنَیْن و در بسیاری از فتوحات مسلمانان نقش آفرید، سرانجام این فاتح بزرگ اسلام در پنجمین یا ششمین سال خلافت حضرت عمر رضی الله عنه چشم از جهان فرو بست. نگاه: سیرت خالد بن ولید رضی الله عنه از ابوعبدالفتاح عبدالله ریگی.

۲. این غزوه در جَمادی‌الأولی سال هفتم هجری به‌وقوع پیوسته‌است، مُؤتَه قریه‌ای‌است در نزدیکی‌های شام که امروز به‌نام «کَرَک» یاد می‌گردد و در جنوب‌شرقی بحر مَیت موقعیت دارد. علّت وقوع این غزوه سربریدنِ قاصدِ رسول الله ﷺ حارث بن عَمیر ازدی رضی الله عنه از سوی امیرانِ غَسانی بود. نگاه، سیرت نبوی (درس‌ها و اندرزها)، ص: ۷۵ - ۷۸.

۳. عقب‌نشینی.

۴. نگاه: الروض الأنف ومعه السیرة النبویة از ابن هشام، ج: ۴، ص: ۱۴۳.

پس آنانی که بی‌خبرانه هوسِ مُبارَزه می کنند، کسانی که به هوای قدرت، دم از جهاد می‌زنند و در زیر ماسک اسلامیّت، بزرگ‌ترین جنایات را مرتکب می‌شوند، آنان که به‌عنوان عمل اسلامی، بی‌هدف به هر که می‌تازند و هر که را مورد طعن قرار داده با صادرکردن فتوای کاذبانه، سند گنهکاربودن دیگران را امضا می کنند، چنین مردمی از روی جهالت و نادانی، هم به خود جفا کرده و هم به عقیده و فرهنگی که به آن ارتباط دارند؛ یعنی آنان که چون کور خیز بیجا زده و به‌نام انقلاب اسلامی طریق نامُقَدّسی را انتخاب می کنند، باید آگاه و مُطّلع باشند که اعمال آنان درحقیقت، سندِ محکومیّت نَهضتِ اسلامی را فراهم کرده و بدین ترتیب مسلمانان را در انظارِ جهانیان، عناصر جاهل و نادان و بی‌درک مُعَرِّفی خواهند کرد.

مبارَزهٔ اسلامی، خواهان ادراک سالم، بصیرت عمیق، نیّت پاک، تقوای بی‌ریا، عمل برنامه‌ریزی شده، هوشیاری، استقامت و استواری‌است.

رزمندگانِ آگاه، انقلابی و پرشور «جمعیّت اسلامی افغانستان»، درِ راهِ رسیدن به آرمان عظیم خویش، باید به جهان‌بینی اسلام آشنا و از هدف و اصول مُبارَزهٔ خود خبر شوند، با نیّتِ پاک، هوشیارانه و سنجیده در پناهِ رعایت الهی به پیش روند.

٤
استقامت در مُبارَزه

پایداری و استقامت در مُبارَزه و جهاد - نیز- از اَولویَّاتِ مبارزات اسلامی‌است؛ لذا سپاهیانِ مکتَب اسلام -که به‌خاطر برافراشتنِ درِفش توحید به‌پاَ خاسته‌اند، آنان‌که در شورانگیزترین نهضت تاریخ بشر، ثبت‌نام کرده‌اند، آن پیشتازانِ پرشوری که به آهنگ رهبری رستاخیز اسلامی وارد میدانَ شده‌اند - با توفانِ سهمگینی از رنج‌ها، دست‌وپنجه نرم خواهند کرد.

قرآن‌کریم آنجاکه تاریخ بشریّت را ورق‌گردانی می‌کند، این حقیقت را به‌عنوان اصیل‌ترین واقعیت‌ها بیان کرده، در کشاکش‌های میان حق و باطل که تاریخ مفهومی جز این ندارد. استقامت و پایداری رمز پیروزی حق بر باطل است.

مبارزاتِ نیم‌بند و کم‌دوام و مَوسمی، هرقدر تُند و انقلابی باشد، هیچ دردی را دوا نکرده‌است. زعامت و قیادت را قرآن

شایستهٔ اشخاصی می‌داند که باثَبات و پایمردی در برابر تبهکاران، صبر و استقامت کرده‌اند.

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا..﴾[1]

و به پیغمبر بزرگ ﷺ هدایت می‌دادند:

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ..﴾[2]

ما که به‌نام خدا و به کمک نیروی عظیمِ ایمان، به‌خاطر رسیدن به آرمان بزرگ نجات ملّت رنجدیدهٔ خود قیام کرده‌ایم، عمیق‌ترین مبانی ایدیولوژیکی و غنی‌ترین تجارب و سرمایه‌های معنوی را در اختیار داریم، پایهٔ کار ما ثابت است. دُشواری کار ما در این نیست که با «استعمار سرخ» و مزدوران زرخریدش روبه‌رویم و با دارودسته‌های پرمکرودسیسه، علیه ما توطیه‌چینی می‌کند و به پیروی از عُمّالِ «استعمار»[3] و دشمنان

---

۱. سجده / ۲۴. ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ (و چون شکیبایی کردند و به آیاتِ ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند.)

۲. هود / ۱۱۲. ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلاَ تَطْغَوْاْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (پس همان‌گونه که دستور یافته‌ای، ایستادگی کن و هرکه با تو توبه کرده [نیز چنین کند] و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست.)

۳. استعمار یا استعمارگری؛ در لغت به‌معنای آبادانی‌خواستن است؛ امّا معنای دیگرش که امروزه به‌کار می‌رود، تسلّط سیاسیِ، نظامیِ، اقتصادی و یا فرهنگیِ

اسلام؛ چون بلندگویان خصم بر ما می‌تازند، ما هرگز مشکلی را در کار خود - از این بابت - حس نمی‌کنیم؛ هرچند بدون‌شک مشکلاتی که از ناحیهٔ تلاش‌های لجوجانهٔ مزدوران استعمار و سرسپردگان دستوری خصم، نشأت کرده باشد، همه از مشکلات راه مایند؛ امّا مانع راه‌رفتنِ جَهشِ انقلابی جنبشِ اسلامی ما نمی‌گردند. راز شکستِ ما در خودِ ماست. آنجاکه پایه‌های ارادهٔ ما سست می‌گردد، جایی‌که ضعف و ناتوانی در بنای تصمیم، راه پیدا می‌کنند، آن وقت تلاش‌های ما متمرکز و یک‌جهت صورت نمی‌پذیرد، آنجاست که دشمن بر ما پیروز می‌شود.

ملّتِ قدرتمند بر یک قوم یا ملّت ضعیف است. مفهوم استعمار امروز با مفهوم امپریالیزم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود و ناگفته نماند که قرآن‌کریم دو خاصیت را برای آن برمی‌شمارد. ۱- ﴿إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا﴾ (هنگامی‌که وارد منطقهٔ آبادی می‌شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشانند.) ۲- ﴿وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهلِهَا أَذِلَّةً﴾ (و عزیزان اهل آن‌جا را خوار و پست می‌گردانند.) امّا تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود. درکُلْ، تاریخ استعمار را از دورهٔ باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره بخش کرد: ۱- دورهٔ باستان؛ ۲- دورهٔ استعمار جهانی؛ ۳- قرن‌های نوزدهم و بیستم؛ ۴- دورهٔ استعمار نو. نگاه: نگرش‌هایی در اسلام، از امام شهید حسن‌البنّا و دانشنامهٔ سیاسی، ص: ۲۶ - ۳۰.

آنان‌که چون مرغانِ گم‌کرده آشیان، گاهی بر شاخی و زمانی بر شاخهٔ دیگر، بی‌قرار و پرزنان پایین و بالا می‌جهند، اگر آماج صَیّادی نگردند، سنگ کودکی هم بال و پرشان را می‌ریزاند.

برماست که شُمرده و پایدار حرکت کنیم. دودلی و بی‌ثَباتی را کِنار گذاریم. با ارادهٔ ثابت و تصمیم استوار، گام برداریم و مطمین باشیم که خداوند اعمال ما و تلاش‌های ما را ضایع نمی‌سازد. دشمنان ما هرقدر نیرومند باشند، اگر ما مطابق با شرایط و اوضاع و با درک عمیق و بینش اسلامی و باثَبات و استقامت گام برداریم، سرانجام پیروز می‌گردیم.

هدفِ ما بزرگ، منزل ما دور و راه ما صعب‌العبور است؛ امّا ارادهٔ پولادین و تلاش مسلَسل و پیگیر، راه را نزدیک و موانع را از سرِ راهِ ما دور می‌کند، خدای توانا به نورِ تابناکِ هدایتِ خود، ظلمت‌های راه را نابود می‌کند.

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾[1]

داعیانی‌که در طریق دعوت اسلامی و انقلاب اسلامی، صبر و استقامت می‌کنند، مجاهدان شوریده و سپاهیان سربه‌کفی‌که

---

۱. عنکبوت / ۶۹. (و کسانی‌که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت الله با نیکوکاران است.)

در راه برافراشتنِ پرچمِ شکوهمند و ظفرکردن اسلام، در سنگرِ پیکارِ بی‌کَرانِ انقلاب و نبرد، به پرواز می‌آیند، عنایت و رِعایتِ الهی به آنان تَضمین می‌دهد:

﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا..﴾[1]

(به حکَم پروردگارت صبر بکن، چه تو در عین‌عنایت ما قرار داری.)

پس آنانی را که عین‌عنایت الهی، رعایت کند، از چه بیمناک باشند؟ از دشمنان فرومایه‌ای‌که دسایس شوم و ارتجاعی‌شان جز جالِ عنکبوتی، بیش نیست و یا از آن بندگان حَشیش و چرس که درَ عالمِ خیال زندگی کرده و قدرتِ درکِ واقعیت‌های زندگی را ندارند و یا از عناصر جُبُون و بزدلی‌که به فقدان بودجهٔ عقل و منطق، دچار گردیده و دیوانه‌وار بر رخِ هرراهگَذر، دهن باز می‌کنند؟ هرگز؛ باید دسایس شومِ مزدوران دستوری استعمار و جیره‌خوارانِ محفلِ استبداد را نادیده گَرفت و به پیروزی جنبش قهرمان خوَد امیدوار بود.

آن مبارزانی‌که در سیمای‌شان برق امیدواری نمی‌تابد و آن

---

۱. طور / ۴۸. ﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾ (و در برابر دستور پروردگارت شکیبایی پیشه‌کن که تو خود در حمایتِ مایی و هنگامی‌که [از خواب] بر می‌خیزی به نیایش پروردگارت تسبیح گوی.)

عناصر جَبُون و بزدلی‌که معیار قضاوت و سنجش و امید و آرزوی‌شان خواب‌های طلایی!! باشد، تلاش‌شان بی‌حاصل و سعی‌شان بی‌ثمر است. چه آن دسته مردم، در هرقدم دودل بوده، رابطه‌ای در میان فکر و ارادۀشان وجود ندارد، وسوسه‌های اغواگر، جلوِ رسیدن‌شان را به سرمنزل مقصود می‌گیرد.

مبارزانِ «جمعیّت اسلامی افغانستان»، در مسیر مُبارَزۀ خود با اوضاعَ و شرایط گیچ‌کننده‌ای روبه‌رو می‌شوند، تراکم مشکلات و حملات وحشیانۀ دشمنانِ این جنبشِ نجات‌بخش، توطیه‌های خاینانۀ نقاب‌داران و ماسَک‌داران، آینده را در نظرشان مجهول و تاریک جلوه خواهد داد؛ امّا برقِ امّید، دل این ظلمت‌ها را می‌شگافد و نبرد بی‌ملال و پیگیرِ فدَاییانِ این کاروانِ حق، آینده را در برابر ما روشن و دیدنی نشَان می‌دهَد.

مسلَمانِ مبارز، حقایق را با منطق وسوسه و گمان بررسی نمی‌کند. پَلانِ رزم را بر اساس خواب‌های کاذبانه طرح نمی‌کند. موفقیَت و پیروزی را جز در لابه‌لای حقایق قرآنی و اخلاص سرشار خود جست‌وجو نمی‌کند. مُبارَزه و جهادِ خود را صرف به‌خاطر تحصیل رضای خداوند انجام می‌دهد، نه به‌خاطر تحصیل فخر و افتخار و امتیاز. و عملی را انجام نمی‌دهد که مستقیماً و یا غیرمستقیم، به نفع استعمار و دشمنان اسلام

باشد.

مسلمانِ مبارز، با تصوُّرِ روشن، دلِ امیدوار، اندیشهٔ ژرف‌بین، بَه آینده می‌نگرد. هَدفش واضح وَ گام‌هایش ثابت و استوار است.

هجومِ هیبتناکِ مشکلات، پای اراده‌اش را نمی‌لرزاند و اتهامِ خاینانه و کاذبانهٔ حلقه‌به‌گوشان استبداد و پای‌کوبانِ محفلِ ارتجاع، در روحیهٔ او تأثیر وارد نمی‌کند و در راه حق از مَلامتِ ملامت‌کنندگان، هرگز هراسی ندارند و حملات توخالی و بی‌معنای دشمنان که درحقیقت سندِ ناکامی خودِ همانان، شُمرده می‌شود، هیچ‌گاه او را در راه رسیدن به هدف و سرمنزلِ مقصود، دُچار شک و دودلی و تَزلْزُل نمی‌سازد.

در راه خدا و به‌خاطر خشنودی خدا و با حمل دِرَفش شُکوهمندِ اسلام، به پیش می‌رود.

نمایه

آیات:

اُدْعُ إِلِى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِى هِىَ أَحْسَنُ..۲۰

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ..۳۴

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ..۴۶

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ..۲۴

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِىَ إِلا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، ۳۰

قُلْ إِنَّ صَلاَتِى وَنُسُكِى وَمَحْيَاىَ وَمَمَاتِى لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ۲۹

قُل لاَّ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِى الْقُرْبَى.. ۳۰

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِى أَدْعُو إِلَى اللّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَاْ وَمَنِ اتَّبَعَنِى وَسُبْحَانَ اللّهِ وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، ۲۵

لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاء وَلَا شُكُورًا.. ۳۱

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا..٤٩

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ، ٤٨

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا..٤٦

وَلَوِاتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ..٣٤

احادیث:

إِتَقوُا فَراسَةَ المُؤمِن فَإِنَهُ يَنْظُرُ بنورالله، ٣٧

اَلْجِهَادُ مَاضٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَة، ١٤

رَأْسُ الأَمْر، اَلإِسْلاَمُ وَعَمُودُهُ الصَّلاَةُ وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهاد، ١٣

رَحِمَ اللهُ امْرَءً عَرَفَ حَدَّهُ فَوَقَفَ عِنْدَهُ، ٣٩

عَنْ أَبِى مُوسَى رضي الله عنه أنَّ النَّبِىَّ ﷺ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُقَاتِلُ غَضَبًا وَحَمِيَّةً وَيُقَاتِلُ رِيَاءً، وَفِى رِوَايَةٍ لِلْمَغْنَم، وَلِلذِّكْر، أَىُّ ذَلِكَ فِى سَبِيلِ الله؟ فَقَالَ: مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُالله هِىَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِى سَبِيلِ الله، ٣٢

لاَ يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْن، ٣٨

لاَ يَنْبَغِى لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ؛ قَالُوا: وَكَيْفَ يُذِلُّ نَفْسَهُ؟ قَالَ: يَتَعَرَّضُ مِنَ البَلاَءِ لِمَا لاَ يُطِيقُ، ٣٩

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهِ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاق، ١٤

اسما و اشخاص:

ابی‌طالب، ۲۲
برهان‌الدین ربانی، ۱۵
خالد بن ولید، ۴۰
علی، ۲۱
نوح، ۳۰

اماکن:

تَبوک، ۳۷
حُنَیْن، ۴۰
شام، ۴۰
کُرک، ۴۰
مُؤتَه، ۴۰
مدینه، ۳۷

گروه‌ها، احزاب و قبایل:

اصحاب، ۲۱، ۳۹
انبیا، ۳۰
جمعیّت اسلامی افغانستان، ۳۱، ۳۳، ۴۲، ۵۰
خوارج، ۲۱
مسلمانان، ۲۹، ۳۰، ۴۱
مشرکان، ۲۴، ۳۰
نهضت اسلامی، ۴۱

مفاهیم و اصطلاحات:

آرمان، ۲۳، ۴۱، ۴۶
آزار، ۳۹
آشیان، ۴۸
آماج، ۴۸
ابتکار، ۳۹
ابلهی، ۲۰
اتکا، ۱۹
احسان، ۲۹
اخلاص، ۵۰
ادراک، ۴۱
اذیت، ۳۹
اراده، ۲۵، ۵۱
ارتجاع، ۵۱
استبداد، ۴۹، ۵۱

استخدام، ۲۰
استعمار، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰
استقامت، ۴۱، ۴۵، ۴۶، ۴۸
استقبال، ۳۰، ۳۱
استنباط، ۳۹
استوار، ۴۸، ۵۱
اسلام، ۱۳، ۱۴، ۲۱، ۲۳، ۲۹، ۳۴، ۳۷، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱
اعراض، ۳۰
افتخار، ۵۰
افراط، ۲۲
اقدام، ۳۸
امرانسحاب، ۴۰
انحراف، ۲۱
ایمان، ۴۶
باطل، ۲۰، ۳۳، ۴۵
بزدلی، ۳۹، ۴۹، ۵۰
بصیرت، ۴۱
بهادری، ۲۹
بینش، ۴۸
پاداش، ۲۹، ۳۰، ۳۱

پایدار، ۴۸
پایمردی، ۴۶
پرتگاه، ۳۸
پرچم، ۲۹، ۴۹
پولادین، ۴۸
پیکار، ۳۲، ۴۹
پیگیر، ۴۸، ۵۰
تجدید، ۴۰
تراکم، ۵۰
تَزلْزُل، ۵۱
تصوّر، ۲۳، ۵۱
تفریط، ۲۲
تمثیل، ۲۵
تُند، ۱۹، ۴۵
توحید، ۲۹، ۴۵
توخالی، ۵۱
ثابت، ۲۳، ۴۶، ۴۸، ۵۱
جاودان، ۳۱
جاهل، ۲۱، ۴۱
جُبْن، ۳۹

جَبُون، ۴۹، ۵۰
جفا، ۴۱
جنبش، ۴۷، ۴۹، ۵۰
جنون، ۳۳
جِهاد، ۱۳، ۱۴، ۲۰، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۴۱، ۴۵، ۵۰
جَهالت، ۲۰، ۴۱
جَهِش، ۴۷
چِرس، ۴۹
حاکمیّت، ۳۳
حُجّت، ۲۰
حرارت، ۳۰
الحرب خدعة، ۳۷
حَشیش، ۴۹
حصول، ۲۹
حق، ۲۵، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۴۵، ۵۰، ۵۱
حقیقت، ۲۰، ۳۰، ۳۱، ۴۵
حکمت، ۲۰
حَمْل، ۵۱
حَمیّت، ۳۲
خصم، ۴۷

خطیر، ۲۳
خلوص، ۲۹
خیال، ۱۹، ۴۹
داعی، ۲۳، ۲۵
دِرَفش، ۴۵، ۵۱
درک، ۴۸، ۴۹
دسایس، ۴۹
دسیسه، ۴۶
دِقَّت، ۲۰
ذلیل، ۳۹
رستاخیز، ۴۵
رعایت، ۳۱، ۴۱، ۴۹
ریا، ۳۲
زعامت، ۴۵
زیرکی، ۳۷
سالم، ۴۱
سرشار، ۵۰
سعادت، ۳۱
سنّت، ۲۱
سنجش، ۵۰

سنجیده، ۱۹، ۴۱
سنگین، ۲۳
سوراخ، ۳۸
سوق، ۱۹
سهمگین، ۴۵
شجاعت، ۲۹، ۳۲
شرک، ۳۴
شریعت، ۲۱
شوم، ۴۹
شهرت، ۲۹، ۳۲، ۳۳
صبر، ۴۶، ۴۸، ۴۹
صعب‌العبور، ۴۸
صلاح، ۳۱
ضایع، ۴۸
ضمیر، ۳۳
طبیعت، ۲۴، ۳۷
طرز، ۲۳
طعن، ۴۱
ظلمت، ۱۹
عقلیت اسلامی، ۲۵

عُمّال، ۴۶
عمیق، ۴۱، ۴۸
عِناد، ۲۰
عناصر، ۴۱، ۴۹، ۵۰
عهد، ۲۱
غایات، ۳۳
غرور، ۲۰
غَزا، ۱۴
غزوات، ۳۷
غنایم، ۲۹
فاقد، ۱۴
فخر، ۵۰
فساد، ۳۳، ۳۴
فَلْج، ۱۹
قوّت، ۴۰
قیادت، ۴۵
کافی، ۲۵
کور، ۴۱
مؤثر، ۱۹
مؤمن، ۱۳، ۱۴، ۳۷، ۳۸

مأمور، ۳۰
مبارز، ۲۵، ۲۹، ۳۲، ۳۷، ۳۸، ۵۰، ۵۱
مُبارَزه، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۵، ۵۰
مبتلا، ۲۵
متحرک، ۲۵
متعدّد، ۲۳، ۳۰
متناسب، ۱۴
مجهول، ۵۰
مَحبّت، ۳۱
مُحرِّک، ۳۳
مرام، ۲۳، ۲۴
مرتکب، ۲۱، ۲۳، ۳۳، ۴۱
مرگ، ۲۹
مسلسل، ۳۸، ۴۸
مسیر، ۲۳، ۳۳، ۳۷، ۵۰
مُطَّلع، ۴۱
مطمین، ۴۸
معجز، ۳۰
معرفت، ۲۵

مغرور، ۲۵
مُقاوَمت، ۲۰
ملّت، ۴۶
مناقشه، ۲۰، ۲۲
منطق، ۴۹، ۵۰
مُنْعَکس، ۱۴
موانع، ۴۸
موفقیت، ۵۰
میان‌تهی، ۱۹
ناجی، ۱۳
نادان، ۴۱
نبرد، ۴۹، ۵۰
نطفه، ۳۷
نفسیت اسلامی، ۲۵
نماز، ۲۹
نیاز، ۲۹
نیکو، ۲۰
وحشت‌بار، ۲۱
وقوع، ۳۸
وهم، ۱۹

هوس، ۳۴، ۴۱
هوشیاری، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱
هوی، ۳۳، ۳۴
هیبتناک، ۵۱
یورش، ۴۰

رویکردها

♦ **قرآن کریم؛**
♦ آشوری: داریوش آشوری؛
- دانشنامهٔ سیاسی، تهران: چاپ‌خانهٔ گلشن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ هـ ش؛
♦ آماج: فضلی آماج؛
- توحید و اثراتِ آن در زندگی؛
♦ ابن حِبّان: محمّد بن حِبّان؛
- صحیح ابن حِبّان؛
♦ ابن کثیر: حافظ ابن کثیر؛
- البدایة والنهایة، طبعة دار هجر، ج: ۱۰، ص: ۵۸۴؛
♦ ابن هشام: عبدالملک بن هشام؛
- الروض الأنف ومعه السیرةالنبویة؛
♦ انصاری: خواجه بشیراحمد انصاری؛
- مذهب طالبان، ناشر: انتشارات سعید، سال و محل نشر: ۲۰۱۳م، کابل افغانستان؛
♦ البخاری: محمّد بن إسماعیل بخاری؛
- صحیح‌البخاری، دارابن کثیر: بیروت - لبنان، الطبعة الثالثة،

۱۴۰۷ هـ ق؛
♦ بغدادی: عبدالقاهر بغدادی؛
– الفرق بین الفرق؛
♦ البنَّا: امام شهید حسن‌البنَّا؛
– نگرش‌هایی در اسلام، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: سنّت تایباد، سال نشر، ۱۳۸۰هـ ش؛
♦ التِرمذِی: محمّد بن عیسی بن سورة الترمذی؛
– جامع التِرمذِی؛
♦ الخالدی: صلاح عبدالفتاح الخالدی؛
– خلفای راشدین از خلافت تا شهادت؛ ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نوبت چاپ، دوّم ۱۳۸۲هـ ش، چاپ‌خانه: مهارت، ناشر: نشر احسان؛
♦ دهخدا: علی اکبر دهخدا؛
– لغت‌نامهٔ دهخدا؛
♦ ریگی: ابوعبدالفتاح عبدالله ریگی؛
– سیرت خالدبن ولید رضی الله عنه؛
♦ زندانی: دکتور عبدالمجید زندانی؛
– براهینی بر یکتاپرستی؛
♦ سباعی: دکتور مصطفی سباعی؛
– ستارگان هدایت، مترجم: امیر صادق تبریزی، نوبت چاپ:

دوّم؛ ۱۳۹۰ هـ ش، ناشر: انتشارات کردستان؛
♦ سباعی: دکتور مصطفی سباعی؛
- سیرت نبوی، «درس‌ها و اندرزها»، مترجم: فضل‌الرحمن فاضل، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، سال چاپ، ۱۳۹۱ هـ ش؛
♦ سجستانی: ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی؛
- سنن أبی داود، دارالکتاب العربی: بیروت - لبنان؛
♦ السیوطی: جلال‌الدین عبدالرحمن ابی‌بکر السیوطی؛
- الجامع‌الصغیر فی احادیث البشیر النذیر؛
♦ صلابی: دکتور علی صلابی؛
- علی مرتضی رضی الله عنه (بررسی و تحلیل زندگانی خلیفهٔ چهارم) چاپ: اوّل، سال چاپ: ۱۳۸۸ هـ ش؛
♦ مبارکپوری: صفی‌الرحمن مبارکپوری؛
- سیرت رسول اکرم (کتاب الرحیق المختوم)؛
♦ معین: دکتور محمّد معین؛
- فرهنگ فارسی معین؛
♦ نیشابوری: مسلم بن حجاج نیشابوری؛
- صحیح مسلم.